



پویایی همکاری و تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی

محمد زندی زیارانی^۱، امیر هوشنگ میرکوشش^۲، احسان رازانی^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی عوامل تاثیرگذار بر همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، و عوامل موثر در مناقشات فی مابین آنها در این روابط و تأثیر آنها بر حکمرانی جهانی می‌باشد. از اهداف این پژوهش، می‌توان به توسعه استراتژی‌ها و راه‌حل‌هایی برای تقویت همکاری و مدیریت تضادها در حکمرانی جهانی اشاره داشت. فرضیه پیشنهادی بر این است که همکاری موثر بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، منجر به تقویت حکمرانی جهانی می‌گردد، در حالی که درگیری‌ها و مناقشات بین آنها، منجر به تضعیف حکمرانی جهانی شده و قدرت آن را به چالش کشیده و نظام‌ها را مختل می‌کند. فرضیه بعدی این است که اصلاحات نهادی، همکاری‌های چندجانبه و چارچوب‌های قانونی می‌توانند به رفع تعارضات و تقویت تقسیم عادلانه قدرت بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی کمک کنند. بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها در همکاری و مناقشه بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی و پیشنهاد راهبردهایی برای تقویت همکاری و مدیریت تضادها در حکومت جهانی، از اهداف این پژوهش می‌باشند. علاوه بر این، این پژوهش بنا دارد تا با توسعه چارچوب‌هایی که حکمرانی عادلانه جهانی را ترویج می‌کند، به مجموعه دانش موجود در این زمینه کمک کند.

واژگان کلیدی: بازیگر غیردولتی، شرکت‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی، حکمرانی

جهانی، همکاری و نزاع‌ها

۱. دانشجوی دکتری، گروه روابط بین الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی

۲. نویسنده مسئول و استاد راهنما، گروه روابط بین الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی

Am.Mirkooshesh@iau.ac.ir

۳. استاد مشاور، گروه روابط بین الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی



۱. مقدمه

هدف این مطالعه پژوهشی، بررسی پویایی های همکاری و نزاع بین بازیگران غیردولتی، همچون سازمان های غیردولتی و شرکت های فراملیتی، و دولت-ملت ها در زمینه حکمرانی جهانی می باشد. با افزایش اهمیت اقدام جمعی برای مقابله با چالش های جهانی، ضرورت درک نقش بازیگران غیردولتی در دستیابی به اهداف مشترک، برجسته می گردد. با این حال، تضاد منافع و ارزش ها، جنگ قدرت، و اقدامات مخرب از سوی بازیگران غیردولتی نیز می تواند منجر به نزاع بین این بازیگران و دولت ها شود.

سؤالات پژوهشی که این مطالعه را هدایت می کند به شرح زیر است: عوامل موثر در همکاری موفق بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت ها، چیست؟ تضادهای بین این بازیگران و دولت-ملت ها چگونه به وجود می آید و به چه صورت بر حکمرانی جهانی تأثیر می گذارد؟ به چه استراتژی ها و راه حل هایی برای تقویت همکاری و مدیریت تضادها در حکمرانی جهانی نیاز داریم؟

فرضیه های این مطالعه پیشنهاد می کنند که همکاری مؤثر بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت ها می تواند حکمرانی جهانی را تقویت کند، در حالی که نزاع ها می توانند اقتدار آن را به چالش بکشند و نظام ها را مختل نمایند. این مطالعه همچنین این فرضیه را مطرح می کند که اصلاحات نهادی، همکاری های چندجانبه و چارچوب های قانونی می توانند به رفع تضادها و تقویت تقسیم قدرت عادلانه کمک کنند.

اهداف این مطالعه بررسی چالش ها و فرصت ها در پویایی همکاری و درگیری بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت ها، و همچنین پیشنهاد استراتژی هایی برای تقویت همکاری و مدیریت تضادها در حکمرانی جهانی است. هدف این مطالعه کمک به مجموعه دانش موجود در مورد این موضوع با توسعه چارچوب هایی است که حکمرانی عادلانه جهانی را ترویج می کند.

مشارکت این مطالعه دوگانه خواهد بود. اولاً، بینش هایی را در مورد تلاش های مشترک بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت ها در رسیدگی به چالش های جهانی، به ویژه در زمینه های حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار ارائه می دهد. ثانیاً، درگیری های ناشی از عدم تعادل

قدرت و اولویت‌های متفاوت را روشن می‌کند و راه‌حل‌ها و استراتژی‌هایی را برای مدیریت این درگیری‌ها و تقویت حکمرانی جهانی پیشنهاد می‌کند.

چارچوب مفهومی این مطالعه شامل تجزیه و تحلیل روابط، تعاملات و پویایی قدرت بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها خواهد بود. همچنین تأثیر عوامل خارجی و چارچوب‌های قانونی بر همکاری و پویایی درگیری را در نظر خواهد گرفت. از طریق مطالعات موردی در مورد تغییرات آب و هوایی و حمایت از حقوق بشر، ما پیامدهای عملی پویایی همکاری و نزاع را بررسی خواهیم کرد، چالش‌های پیش روی بازیگران غیردولتی و اهمیت پرداختن به محدودیت‌های قانونی و تبلیغات در ترویج حمایت از حقوق بشر را برجسته می‌کنیم.

در نتیجه، هدف این مطالعه کمک به درک پویایی‌های همکاری و نزاع بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها در زمینه حکمرانی جهانی است. با بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و استراتژی‌های ناشی از این رابطه، این مطالعه امیدوار است چارچوب‌هایی را ایجاد کند که همکاری را افزایش دهد، منازعات را مدیریت کند و حکمرانی عادلانه جهانی را تقویت کند.

۲. بررسی ادبیات

پویایی همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها در حکمرانی جهانی معاصر اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است، زیرا برای رسیدگی به چالش‌های جهانی نیاز به اقدام جمعی است (Corell & Betsill, 2008). بازیگران غیردولتی، از جمله سازمان‌های غیردولتی (NGO) و شرکت‌های فراملی (TNCs)، دانش و منابع تخصصی دارند که می‌توانند به تلاش‌های حکمرانی جهانی، به ویژه در زمینه‌هایی مانند حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار کمک کنند (Keck & Sikkink, 1998).

با این حال، تضاد منافع و ارزش‌ها، جنگ قدرت، و اولویت‌های متفاوت و اقدامات مخرب می‌تواند منجر به نزاع بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها شود. نفوذ و قدرت بازیگران غیردولتی در عصر جهانی شدن افزایش یافته و تنش‌ها را در درون نظام بین‌الملل تشدید کرده است. این تضادها، اقتدار و مشروعیت دولت-ملت‌ها را به چالش می‌کشد و می‌تواند نظام‌های



سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دچار آشوب نماید (Weiss, Seyle, Keohane & Nye Jr, 2001; & Coolidge, 2013).

مطالعه پویایی همکاری و نزاع بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها، پیامدهایی برای حکومت جهانی دارد. این مطالعات، نیاز به تقویت و دموکراتیک کردن حکمرانی جهانی با مشارکت بازیگران غیردولتی در فرآیندهای تصمیم‌گیری را برجسته می‌کند (Börzel & Risse, 2010). ایجاد تعادل بین پویایی قدرت و اختیار تصمیم‌گیری برای رسیدگی به تضادهای ناشی از عدم تعادل قدرت بسیار مهم است (Finnemore & Sikkink, 2001). برخی از محققین اصلاحات نهادی، همکاری‌های چندجانبه و چارچوب‌های قانونی را به عنوان راه حل‌ها و استراتژی‌هایی برای تقسیم عادلانه قدرت پیشنهاد می‌کنند (Young, 1986). علاوه بر این، همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌تواند مشروعیت و مسئولیت‌پذیری نهادهای حاکمیت جهانی را افزایش دهد (Hale, 2020; Held, Fane-Hervey, & Theros, 2011).

مطالعات موردی در مورد تغییرات آب و هوایی و حمایت از حقوق بشر، پیامدهای عملی پویایی همکاری و نزاع بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها را نشان می‌دهد. بازیگران غیردولتی، مانند سازمان‌های غیردولتی و جوامع بومی، نقش مهمی در طرح‌های تغییرات آب و هوایی ایفا می‌کنند، اما به دلیل مقاومت دولت-ملت‌ها با چالش‌هایی مواجه هستند (O'Brien & Barnett, 2013). به منظور ترویج حمایت موثر از حقوق بشر، محدودیت‌های قانونی، نظارت و آزار و اذیت و تبلیغات مد نظر قرار می‌گیرند (Hafner-Burton, 2013).

در نتیجه، درک پویایی همکاری و نزاع بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها، برای حکمرانی موثر جهانی بسیار مهم است. هدف این مطالعه کمک به مجموعه دانش موجود در مورد موضوع با بررسی رابطه چند وجهی بین این نهادها است. با بررسی چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از این رابطه، این مطالعه امیدوار است چارچوب‌هایی را ایجاد کند که همکاری، مدیریت تعارض‌ها و تقویت حکمرانی عادلانه جهانی را تقویت کند. این مطالعه، دارای پیامدهای عملی برای سیاست‌گذاران، محققان و دست‌اندرکاران درگیر در تلاش‌های حکمرانی جهانی می‌باشد.

۳. روش و داده‌ها

به منظور دستیابی به اهداف پیشنهادی، مجموعه‌ای از روش‌های تحقیق را به کار خواهیم گرفت. ابتدا، مروری بر ادبیات گسترده انجام خواهیم داد و در مقالات علمی، کتاب‌ها، گزارش‌ها و مطالعات موردی مرتبط پیرامون بازیگران غیردولتی و تأثیر عمیق آنها بر روابط بین‌الملل تحقیق خواهیم کرد. این مرحله درک جامعی از ابعاد و پویایی‌های مختلف مرتبط با بازیگران غیردولتی ارائه می‌دهد و امکان تجزیه و تحلیل کامل از تأثیر آنها را فراهم می‌کند.

علاوه بر این، با هدف تشخیص نقش‌ها و رفتارهای مختلف بازیگران غیردولتی مختلف در مناطق مختلف و حوزه‌های موضوعی، یک تحلیل مقایسه‌ای انجام خواهد شد. این رویکرد تطبیقی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و الگوهای کلی را که در میان بازیگران غیردولتی حاکم است روشن می‌کند و امکان درک عمیق‌تر تأثیر آنها بر روابط بین‌الملل را فراهم می‌کند.

علاوه بر این، ما مطالعات موردی را بررسی خواهیم کرد تا موارد خاصی را بررسی کنیم که در آن بازیگران غیردولتی به طور قابل توجهی بر حوزه روابط بین‌الملل تأثیر گذاشته‌اند. این مطالعات موردی طیف وسیعی از بازیگران غیردولتی، از جمله گروه‌های مسلح غیردولتی، شرکت‌های فراملی و سازمان‌های جامعه مدنی را در بر می‌گیرد. با بررسی حوادث خاص و نتایج آنها، این مطالعه از مثال‌های واقعی استفاده می‌کند تا رابطه پیچیده بین بازیگران غیردولتی و روابط بین‌الملل را روشن کند.

با اجرای این روش‌های پژوهشی به شیوه‌ای سیستماتیک و دقیق، این مطالعه به مجموعه دانش موجود در مورد بازیگران غیردولتی و تأثیر چند وجهی آنها بر روابط بین‌الملل کمک می‌کند. بررسی ادبیات جامع وضعیت فعلی تحقیق در مورد این موضوع را اندازه‌گیری می‌کند، در حالی که تحلیل تطبیقی، ارتباطات و واگرایی‌ها را بین بازیگران غیردولتی در زمینه‌های مختلف ترسیم می‌کند. در نهایت، بررسی عمیق مطالعات موردی، شواهد ملموس و نمونه‌های واقعی را ارائه می‌کند و پایه تجربی مطالعه را تقویت می‌کند.



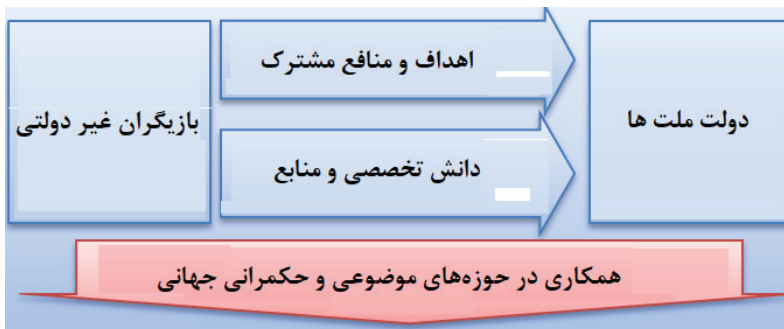
۴. نتایج و یافته‌ها

بازیگران غیردولتی شامل نهادهای مختلفی از جمله شرکت‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های جنایی فراملی (TCOs)، گروه‌های تروریستی، گروه‌های شبه نظامی، مجرمان سایبری، سازمان‌های مذهبی، گروه‌های منطقه‌ای یا قومی، شرکت‌های نظامی خصوصی (PMC) و گروه‌های هکتیویست هستند. این بازیگران غیردولتی نقش‌های تعیین‌کننده‌ای در جامعه، سیاست و امور جهانی ایفا می‌کنند. چه از طریق نفوذ اقتصادی، حمایت، فعالیت‌های جنایتکارانه یا مقاومت مسلحانه، آنها دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم، شکل می‌دهند و تأثیرات گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان دارند.

۴.۱. پویایی همکاری

همکاری بین بازیگران غیردولتی و «کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوایی» (UNFCCC) در پیشبرد اقدامات اقلیمی بسیار مهم بوده است. شبکه قرارداد جهانی (The Global Compact Network) و شبکه اقدام اقلیمی (The Climate Action Network) نمونه‌های قابل توجهی از این همکاری هستند.

رسم توضیحی ۱: بازیگر غیر دولتی همکاری با دولت‌های ملی



یادداشت‌ها: نمودار شماتیک، روابط متقابل دولت‌ها و بازیگران غیردولتی را نشان می‌دهد که در آن بازیگر غیردولتی دانش تخصصی و مسائل فنی ارائه می‌دهد و اهداف و منافع مشترک با دولت‌ها دارد. بازیگران غیردولتی برای تبادل اطلاعات و دانش فنی با دولت-ملت‌ها همکاری

دارند و به نوبه خود، دولت-ملت‌ها اطلاعات لازم را به آنها ارائه می‌دهند و بر اساس اهداف و منافع مشترک، قوانین و مقررات را در خط مشی و اولویت خود رعایت می‌کنند. (نویسندگان ۱۴۰۲)

شبکه قرارداد جهانی یک ابتکار داوطلبانه است که شرکت‌های متعهد به توسعه پایدار و تغییرات آب و هوایی را گرد هم می‌آورد. این شرکت‌ها با کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوایی، برای تعیین اهداف و تبادل بهترین شیوه‌ها برای رسیدگی به تغییرات آب و هوایی همکاری می‌کنند. در سال ۲۰۱۵، شبکه قرارداد جهانی با کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوایی، برای راه‌اندازی طرح «جاه طلبی تجاری برای ۱.۵ درجه سانتیگراد» (Business Ambition for 1.5°C initiative) همکاری کرد. این ابتکار با هدف تشویق شرکت‌ها به تعیین اهداف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دانش‌بنیان، مطابق با توافق نامه پاریس بود (UNFCCC, 2019).

شبکه اقدام اقلیمی (CAN)، یک شبکه جهانی متشکل از بیش از ۱۳۰۰ سازمان غیردولتی است که بر تغییرات آب و هوایی متمرکز شده است که با شرکت در نشست‌های کنفرانس سالانه احزاب (COP) و شرکت در مذاکرات، می‌تواند به طور فعالانه با کنوانسیون تعامل داشته باشد. این همکاری به شبکه اقدام اقلیمی اجازه می‌دهد تا بر فرآیند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد و از اقدامات آب و هوایی قوی‌تر حمایت کند. در سال ۲۰۱۵، شبکه اقدام اقلیمی، کمپینی به نام «اقلیم در حال حاضر» (Climate Action Now) را در طول مذاکرات توافق پاریس هماهنگ نمود و جامعه مدنی را تهییج نمود تا تعهدات جاه طلبانه آب و هوایی را از دولت‌ها مطالبه کند (Treber, 2015). تغییر در سیاست‌ها یا انتقال رهبری در کنوانسیون، منجر به بروز تضادها و عدم قطعیت‌ها در این همکاری‌ها می‌گردد. اعلامیه ایالات متحده مبنی بر خروج از توافقنامه پاریس در سال ۲۰۱۷ باعث ایجاد ابهام و اختلاف نظر در بین بازیگران غیردولتی و سایر دولت‌های ملی شد. برخی از سازمان‌های بخش خصوصی تعهد خود را برای ادامه رسیدگی به تغییرات آب و هوایی علیرغم



تغییر سیاست‌ها ابراز کردند، در حالی که برخی دیگر به دلیل عدم اتخاذ موضع قوی‌تر با انتقاد مواجه شدند (Felter, 2023; UNFCCC, 2019).

علاوه بر این، خلأهای رهبری در کنوانسیون می‌تواند بر اثربخشی همکاری با بازیگران غیردولتی تأثیر بگذارد. زمانی که پست دبیر اجرایی کنوانسیون برای چندین ماه در سال ۲۰۱۶ خالی بود، باعث ایجاد عدم اطمینان و تاخیر در فرآیندهای تصمیم‌گیری شد. این امر به ناامیدی در میان بازیگران غیردولتی منجر شد و مانع از قابلیت آنها برای مشارکت در طرح‌های تغییرات آب و هوایی شد (Hermwille, 2018; Kuyper, Schroeder, & Linnér, 2018). ثبات رهبری در کنوانسیون و ارائه راهنمایی روشن به بازیگران غیردولتی، برای کاهش تعارضات و عدم قطعیت‌ها، بسیار مهم است. این امر، تضمین می‌کند که همکاری‌ها می‌تواند به آرامی ادامه یابد و به بازیگران غیردولتی این امکان را می‌دهد که درگیر در روند و متعهد به رسیدگی به تغییرات آب و هوایی بمانند.

همکاری در برخی زمینه‌ها به عنوان توسعه بین‌المللی بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی در رفع فقر و نابرابری موثر بوده است. یکی از نمونه‌های عملی چنین همکاری‌هایی، مشارکت بین «آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده» (USAID) و سازمان‌های غیردولتی مختلف است که در جهت کاهش فقر تلاش می‌کنند. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، بودجه و تخصص فنی ارائه می‌کند، در حالی که سازمان‌های غیردولتی دانش پایه و رویکردهای جامعه محور خود را ارائه می‌کنند. این همکاری امکان یک رویکرد جامع و کل‌نگر برای توسعه، دسترسی به آسیب‌پذیرترین جمعیت و دستیابی به نتایج پایدار را فراهم می‌کند (Asia, 2021; Tarnoff, 2015).

علاوه بر این، همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی در اقدام برای حفاظت از محیط زیست، بسیار مهم بوده است. «شورای نظارت بر جنگل» (FSC)، یک سیستم صدور گواهی‌نامه بین‌المللی برای جنگلداری مسئول، به عنوان نمونه‌ای از همکاری موثر عمل می‌کند. این شورا، دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و ذینفعان بخش خصوصی را برای ایجاد استانداردها و ترویج شیوه‌های جنگلداری پایدار، گرد هم می‌آورد. این بازیگران با همکاری یکدیگر، حفاظت

از اکوسیستم‌های جنگلی را تضمین می‌کنند و در عین حال از معیشت جوامع محلی وابسته به جنگل‌ها حمایت می‌کنند (Elbakidze, Dawson, McDermott, Teitelbaum, & Tysiachniouk, 2022; Fagundes, Schreiber, Nunes, Fernandes, & Damacena, 2023). مطالعه متعددی، مزایای همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی را برجسته کرده‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای صورت گرفته توسط دایکزول و بیگ‌بدر، مشارکت‌های بین سازمان‌های غیردولتی و نهادهای وابسته به سازمان ملل را در تلاش‌های امدادی بشردوستانه بررسی می‌نماید. یافته‌ها این پژوهش نشان داد که تلاش‌های مشترک، منجر به بهبود هماهنگی، افزایش کارایی و افزایش پاسخگویی در ارائه کمک به جمعیت‌های آسیب‌دیده شده است. این مطالعه تأثیر مثبت همکاری بر تلاش‌های بشردوستانه و اهمیت بهره‌برداری از تخصص و منابع متنوع بازیگران مختلف را نشان می‌دهد (Dijkzeul & Beigbeder, 2003).

شایان ذکر است که همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی می‌تواند در رسیدگی به چالش‌های جهانی متمر ثمر باشد. مثال‌های عملی در زمینه‌های توسعه، حفاظت از محیط زیست، و حل مناقشات، مزایای ملموس چنین همکاری‌هایی را برجسته می‌کنند. تحقیقات آکادمیک همچنین از این ایده حمایت می‌کند که همکاری، منجر به نتایج بهتر و اثربخشی بیشتر در پرداختن به مسائل پیچیده می‌شود. بنابراین، برای دستیابی به اهداف مشترک، باید به تشویق و پیگیری تقویت مشارکت بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی ادامه داد.

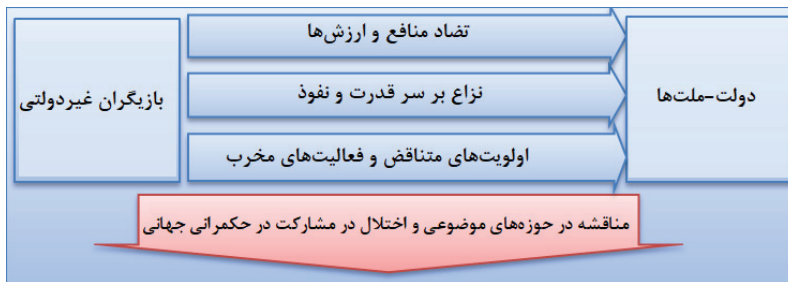
۴.۲. پویایی تعارض

در برخی موارد مانند فعالیت‌های زیست محیطی، نمونه‌ای از تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی وجود دارد. بازیگران غیردولتی، مانند فعالان محیط زیست و سازمان‌های غیردولتی، اغلب حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار را در اولویت قرار می‌دهند (Harris, Roby, & Dibb, 2016). آنها ممکن است در اقدامات مخرب مانند اعتراضات یا نافرمانی مدنی برای جلب توجه به مسائل زیست محیطی و فشار برای تغییر سیاست، شرکت کنند (Andrews & Gaby, 2015).



از سوی دیگر، دولت‌های ملی توسعه اقتصادی و امنیت ملی را در اولویت قرار می‌دهند که گاهی اوقات می‌تواند با نگرانی‌های زیست‌محیطی در تضاد باشد. به عنوان مثال، یک دولت ملی ممکن است اجازه ساخت یک سد یا یک پروژه صنعتی را بدهد که می‌تواند اثرات منفی زیست‌محیطی داشته باشد. این تضاد منافع و ارزش‌ها بین بازیگران غیردولتی و دولت می‌تواند منجر به تنش و درگیری شود (Conner, 2006; Nedziwe & Tella, 2023).

رسم توضیحی ۲ مناقشه بازیگران غیردولتی با دولت-ملت‌ها



توجه: نمودار شماتیک روابط متقابل دولت‌ها و بازیگران غیردولتی را نشان می‌دهد که در آن بازیگر غیردولتی به واسطه تضاد منافع و اهداف، نزاع بر سر قدرت و نفوذ و اولویت‌های متناقض و اقدامات مخرب با دولت-ملت‌ها دچار چالش و مناقشه می‌گردند. در نتیجه بازیگران غیردولتی برای مشارکت در حکمرانی جهانی و فرایندهای تصمیم‌گیری با محدودیت‌ها و موانعی مواجه می‌گردند. (نویسندگان ۱۴۰۲)

نمونه ملموس تضاد بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی در فعالیت‌های زیست‌محیطی، اعتراضات علیه «خط لوله دسترسی داکوتا» (DAPL) در ایالات متحده می‌باشد، پروژه‌ای بحث‌برانگیز که با مخالفت گسترده قبایل بومی آمریکا و فعالان محیط زیست مواجه شد. آنها استدلال کردند که این خط لوله می‌تواند به منابع آب و زمین‌های مقدس قبایل آسیب برساند و به تغییرات آب و هوایی کمک کند (Larson, Holley, & Bowman, 2018).

به عنوان بخشی از فعالیت خود، بازیگران غیردولتی تظاهراتی را سازماندهی کردند، در نزدیکی محل ساخت و ساز اردو زدند و درگیر مبارزات قانونی برای توقف ساخت خط لوله

شدند. درگیری بین معترضان و مجریان قانون با ادعای اعمال زور خارج از قاعده و نقض حقوق، به شدت جنجالی شد (Harwatt, Ripple, Chaudhary, Betts, & Hayek, 2020). این تضاد، اولویت‌های متفاوت بین بازیگران غیردولتی حامی حفاظت از محیط زیست و دولت ملی که توسعه اقتصادی و استقلال انرژی را در اولویت قرار می‌دهد، برجسته کرد.

برای مدیریت این چنین مناقشاتی، همکاری و گفت‌وگو بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی ضروری است. یک رویکرد، ایجاد پلتفرم‌های چند ذی‌نفع است که در آن همه ذینفعان مرتبط می‌توانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند. این به بازیگران غیردولتی اجازه می‌دهد تا نگرانی‌های خود را بیان کنند و در بحث‌های سیاسی مشارکت کنند، در مقابل دولت‌های ملی می‌توانند دیدگاه‌ها و منافع این گروه‌ها را در نظر بگیرند (Bäckstrand & Kuyper, 2017).

علاوه بر این، میانجی‌گری و تکنیک‌های مذاکره برای پر کردن شکاف بین اولویت‌های بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی مفید است. تسهیل‌کننده‌ها می‌توانند به شناسایی منافع مشترک و یافتن راه‌حل‌های قابل قبول متقابل کمک کنند که نگرانی‌های زیست‌محیطی را با ملاحظات اقتصادی و امنیتی متعادل کند (Brock & Xepapadeas, 2017). با مدیریت مؤثر مناقشات بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، می‌توان به برنامه توسعه فراگیرتر و پایدارتری دست یافت که هم نیازهای اجتماعی و هم نیازهای محیطی را برطرف می‌کند.

تحقیقات آکادمیک در زمینه حل تعارض و روابط بین‌الملل، بینش‌ها و چارچوب‌های ارزشمندی را برای درک و پرداختن به این تعارضات فراهم می‌کند (Andonova & Mitchell, 2010; Bercovitch & Jackson, 2009). این مطالعات بر اهمیت به رسمیت شناختن مشروعیت بازیگران غیردولتی و مشارکت آنها در حکمرانی جهانی تأکید می‌کنند. بازیگران غیردولتی، با ارائه دیدگاه‌ها و تخصص خود به سیاست‌گذاران، می‌توانند راه‌حل‌های موثرتر و پایدارتری برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی ارائه دهند و در عین حال منافع اقتصادی و امنیتی دولت‌های ملی را نیز در نظر بگیرند.



همانطور که بیان شد، تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت های ملت می تواند به دلیل تضاد منافع و ارزش ها به وجود آید. کنش گری زیست محیطی یکی از نمونه های عملی است که در آن بازیگران غیردولتی حفاظت از محیط زیست را در اولویت قرار می دهند، در حالی که دولت ها توسعه اقتصادی و امنیت ملی را در اولویت قرار می دهند. مدیریت این تضادها مستلزم همکاری، گفت و گو و تکنیک های میانجی گری برای یافتن راه حل های قابل قبول متقابل است که اولویت های رقیب را متعادل می کند. تحقیقات آکادمیک در حل مناقشات و روابط بین الملل می توانند به توسعه استراتژی های مؤثر برای رسیدگی به این تعارضات کمک کنند.

۴.۳. حکمرانی جهانی

حکمرانی جهانی به مکانیسم ها، نهادها و فرآیندهایی اطلاق می شود که از طریق آن دولت های ملی و بازیگران غیردولتی به مسائل جهانی در سطح بین المللی می پردازند و بر آن حکومت می کنند. (Woods, 2000) اغلب شامل مشارکت دولت های ملی، سازمان های بین دولتی و بازیگران غیردولتی مانند سازمان های غیردولتی، شرکت های چندملیتی و گروه های جامعه مدنی می شود.

رسم توضیحی ۳: حاکمیت جهانی و مشارکت بازیگران غیردولتی



با این حال، عدم تعادل قدرت می‌تواند در این فرآیندهای تصمیم‌گیری وجود داشته باشد که به طور بالقوه بازیگران غیردولتی را به حاشیه رانده و توانایی آنها را برای تأثیرگذاری بر نتایج حکمرانی جهانی محدود می‌کند (Bäckstrand & Lövbrand, 2006).

یادداشت‌ها: نمودار شماتیک نحوه مشارکت بازیگران غیردولتی در حکمرانی و تصمیم‌گیری جهانی را نشان می‌دهد. این نمایه، نشان می‌دهد که چگونه همکاری ایجاد می‌شود و چگونه تعارض به عنوان مانع و محدودیت برای بازیگران غیردولتی در حکومت جهانی ظاهر می‌شود. همانطور که در این نمودار نشان داده شده است، نقش بازیگران غیردولتی در چالش‌های جهانی، حیاتی و غیرقابل انکار است. (نویسندگان ۱۴۰۲)

بازیگران غیردولتی نقش مهمی در حکمرانی جهانی ایفا می‌کنند، زیرا دیدگاه‌ها، تخصص و منابع متنوعی را ارائه می‌کنند که مکمل طرح‌های دولتی است (Börzel, 2020; Börzel & Risse, 2019). آنها در شکل دادن به برنامه‌های جهانی، ترسیم اولویت‌های سیاست‌گذاری، و اجرای راه‌حل‌هایی برای چالش‌های فراملی مانند تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر، و سلامت جهانی کمک می‌کنند (Kaul, Grunberg, & Stern, 1999). با این حال، بازیگران غیردولتی علی‌رغم نقش مهمی که دارند، اغلب با موانعی برای مشارکت در فرآیندهای حکمرانی جهانی روبرو هستند.

یکی از چالش‌های کلیدی که بازیگران غیردولتی با آن مواجه هستند، قدرت تصمیم‌گیری نابرابر آنها در مقایسه با دولت‌های ملی است (Bäckstrand & Lövbrand, 2006). دولت‌های ملی به دلیل جایگاهشان به عنوان نهادهای مستقل با نمایندگی رسمی در مجامع بین‌المللی، مانند سازمان ملل، به طور سنتی قدرت و نفوذ بیشتری در ساختارهای حکمرانی جهانی دارند (Börzel, 2020; Börzel & Risse, 2019). این عدم تقارن قدرت می‌تواند منجر به اختلاف در نحوه پرداختن به مسائل جهانی شود و می‌تواند مانع از گنجاندن دیدگاه‌ها و صداهاى مختلف در فرآیندهای تصمیم‌گیری شود (Aggarwal & Koo, 2014).



علاوه بر این، نمایندگی و مشارکت بازیگران غیردولتی در حکمرانی جهانی می تواند محدود یا نمادین باشد (Bäckstrand & Lövbrand, 2006). علیرغم تلاش ها برای افزایش مشارکت، بازیگران غیردولتی ممکن است همچنان با موانعی مانند دسترسی محدود به اطلاعات، کمبود منابع، محرومیت از انجمن های تصمیم گیری، یا راه های ناکافی برای مشارکت معنادار مواجه باشند (Börzel, 2020; Börzel & Risse, 2019). در نتیجه، بازیگران غیردولتی ممکن است نتوانند به طور کامل دیدگاه ها و مشارکت های خود را در نتایج حکمرانی جهانی ادغام کنند (Bures & Farrand Carrapico, 2017).

برای پرداختن به این چالش ها، محققان و متخصصان خواستار اشکال فراگیرتر و مشارکتی حاکمیت جهانی شده اند (Kaul et al., 1999). این شامل تقویت نمایندگی و نفوذ بازیگران غیردولتی در فرآیندهای تصمیم گیری می باشد (Biermann et al., 2008; Pattberg & Stripple, 2008). تلاش هایی برای ایجاد مشارکت های چندجانبه، ایجاد مکانیسم های مشورتی، و تقویت پلتفرم هایی برای تعامل بین بازیگران دولتی و غیردولتی وجود دارد.

همانطور که بیان شد، با وجود اینکه حکمرانی جهانی برای پرداختن به چالش های فراملی بسیار مهم است، عدم تعادل قدرت می تواند مانع مشارکت موثر بازیگران غیردولتی شود. این عدم توازن ها می تواند اختیار تصمیم گیری بازیگران غیردولتی را محدود کرده و صداها و دیدگاه های آنها را به حاشیه براند. برای غلبه بر این چالش ها، باید رویکردهای فراگیر و مشارکتی را برای حکمرانی جهانی دنبال کرد و تضمین نمود که بازیگران غیردولتی فرصت های برابر برای مشارکت و تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم گیری دارند. چنین تلاش هایی، مشروعیت و اثربخشی مکانیسم های حکمرانی جهانی را افزایش می دهد.

۴.۴. مطالعات موردی

۴.۴.۱. ابتکارات تغییر آب و هوایی (UNFCCC)

ابتکارات تغییر اقلیم شامل بازیگران غیردولتی و کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوایی، در پیشبرد اقدامات اقلیمی موثر بوده اند. شبکه قرارداد جهانی یکی از این

نمونه‌ها است که شرکت‌هایی را که متعهد به پایداری و اقدامات اقلیمی برای همکاری با کنوانسیون هستند را گرد هم می‌آورد. در سال ۲۰۱۵، شبکه قرارداد جهانی با کنوانسیون، برای راه‌اندازی طرح «جاه طلبی تجاری برای ۱.۵ درجه سانتیگراد» همکاری کرد و شرکت‌ها را تشویق کرد تا اهداف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دانش بنیان را مطابق با توافق نامه پاریس تعیین کنند (UNFCCC, 2021).

مثال دیگر، شبکه اقدام آب و هوایی، یک شبکه جهانی متشکل از بیش از ۱۳۰۰ سازمان غیردولتی است که روی تغییرات آب و هوایی کار می‌کنند. شبکه اقدام آب و هوایی می‌تواند با شرکت در جلسات سالانه کنفرانس احزاب و مشارکت فعالانه با کنوانسیون، ایفای نقش نماید. شرکت در مذاکرات و این همکاری، به شبکه اقدام آب و هوایی اجازه می‌دهد تا بر فرآیندهای تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد و از اقدامات آب و هوایی قوی‌تر حمایت کند. در سال ۲۰۱۵، شبکه اقدام آب و هوایی، کمپینی به نام «اقدام اقلیمی اکنون» را برای بسیج جامعه مدنی و درخواست تعهدات بلندپروازانه اقلیمی از دولت‌ها در جریان مذاکرات توافقنامه پاریس، هماهنگ نمود (CAN, 2023).

با این حال، با تغییر سیاست‌ها، و انتقال رهبری در کنوانسیون، تضادها و عدم قطعیت‌ها می‌توانند در این همکاری‌ها ایجاد شوند. به عنوان مثال، هنگامی که ایالات متحده قصد خود را برای خروج از توافقنامه پاریس در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد، عدم اطمینان و اختلاف نظر را در بین بازیگران غیردولتی و سایر دولت‌های ملی ایجاد کرد. در حالی که برخی از سازمان‌های بخش خصوصی تعهد خود را برای ادامه رسیدگی به تغییرات آب و هوایی علیرغم تغییر سیاست‌ها ابراز نمودند، برخی دیگر به دلیل عدم اتخاذ موضع قوی‌تر با انتقاد مواجه شدند (Newell, Paterson, & Craig, 2021; Paterson, 2020).

علاوه بر این، خلأهای رهبری در کنوانسیون می‌تواند بر اثربخشی همکاری با بازیگران غیردولتی تأثیر بگذارد. زمانی که پست دبیر اجرایی کنوانسیون برای چندین ماه در سال ۲۰۱۶ خالی بود، باعث ایجاد عدم اطمینان و تاخیر در فرآیندهای تصمیم‌گیری شد. این امر به ناامیدی در



میان بازیگران غیردولتی منجر شد و مانع از توانایی آنها برای مشارکت در طرح های تغییرات آب و هوایی شد (Kreibich & Obergassel, 2019; Obergassel et al., 2019).

حفظ رهبری ثابت و ارائه راهنمایی روشن به بازیگران غیردولتی در کنوانسیون، برای کاهش تعارضات و عدم قطعیت ها، بسیار مهم است. این ثبات تضمین می کند که همکاری ها به آرامی ادامه می یابد و بازیگران غیردولتی درگیر و متعهد به رسیدگی به تغییرات آب و هوایی حضور دارند (Kuyper, Bäckstrand, & Schroeder, 2017).

در نتیجه، همکاری بین بازیگران غیردولتی و کنوانسیون نقش مهمی در پیشبرد اقدامات اقلیمی ایفا کرده است. نمونه هایی مانند شبکه قرارداد جهانی و شبکه اقدام اقلیمی، اهمیت بازیگران غیردولتی را در حمایت از اهداف کنوانسیون برجسته می کند. با این حال، تضادها و عدم قطعیت ها می توانند به دلیل تغییر سیاست ها و خلأهای رهبری در کنوانسیون به وجود بیایند که بر نیاز به رهبری ثابت و راهنمایی روشن تأکید می کند (van Asselt, 2014).

۴.۴.۲. مدافع حقوق بشر (عفو بین الملل)

نهاد مدافع حقوق بشر برای ترویج و حمایت از حقوق بشر ضروری است. بازیگران غیردولتی، مانند عفو بین الملل، اغلب در کار دفاعی خود با چالش هایی مواجه هستند. یک مورد قابل توجه، کمپین عفو بین الملل علیه اخراج اجباری در زیمبابوه است.

عفو بین الملل در سال ۲۰۰۵ کمپینی را برای افزایش آگاهی در مورد اخراج اجباری و تخریب سکونتگاه های غیررسمی توسط دولت زیمبابوه راه اندازی کرد. این سازمان موارد نقض حقوق بشر از جمله دستگیری های خودسرانه، شکنجه و آزار و اذیت افراد مخالف را مستند کرده است (Dzimiri & Runhare, 2012; Hager, 2006; Scarnecchia, 2006).

با این حال، دولت زیمبابوه با اعمال محدودیت های قانونی به کمپین عفو بین الملل پاسخ داد. آنها لایحه سازمان های غیردولتی را در سال ۲۰۰۴ تصویب کردند که مقررات سختگیرانه ای را بر سازمان های غیردولتی تحمیل می کرد، از جمله فرآیندهای ثبت نام گسترده و الزامات بی طرفی سیاسی (C. Carothers, 2018; T. Carothers, 2006).

مقررات برای کنترل و محدود کردن فعالیت‌های بازیگران غیردولتی مانند عفو بین‌الملل طراحی شده است.

دولت زیمبابوه همچنین از تاکتیک‌های نظارت و آزار و اذیت برای تضعیف تلاش‌های عفو بین‌الملل استفاده کرد. ماموران امنیتی دولتی به طور مکرر دفاتر و کارکنان سازمان را زیر نظر گرفتند و فضای ترس و ارباب ایجاد کردند (Hager, 2006). عفو بین‌الملل، مواردی از دستگیری‌های خودسرانه، بازداشت فعالان خود و حملات فیزیکی به اعضای خود را گزارش کرد. علاوه بر این، دولت از تبلیغات برای مشروعیت‌زدایی از کار عفو بین‌الملل استفاده کرد. رسانه‌های تحت کنترل دولت، سازمان را به عنوان یک عامل خارجی که در امور داخلی زیمبابوه مداخله می‌کند با هدف تضعیف اعتبار آن در میان مردم، معرفی کردند (Conner, 2006).

این مطالعه موردی بر چالش‌هایی که بازیگران غیردولتی مانند عفو بین‌الملل در دفاع از حقوق بشر با آن‌ها مواجه هستند، تأکید می‌کند. پاسخ دولت زیمبابوه تنش بین تلاش‌های این سازمان برای ارتقای حقوق بشر و تمایل دولت برای حفظ کنترل و اقتدار را برجسته می‌کند. محققان می‌توانند این مطالعه موردی را با بررسی پویایی قدرت و نقش بازیگران غیردولتی در حمایت از حقوق بشر تحلیل کنند. آنها می‌توانند راهبردهای به کار گرفته شده توسط عفو بین‌الملل برای غلبه بر موانع ایجاد شده توسط دولت زیمبابوه، مانند دعوای راهبردی یا بسیج فشار بین‌المللی را بررسی کنند (Sidel, 2010). علاوه بر این، این مطالعه موردی بر اهمیت شبکه‌ها و اتحادهای بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر تأکید می‌کند. عفو بین‌الملل از گستره جهانی خود استفاده کرد و با سایر سازمان‌ها، نهادهای منطقه‌ای و کانال‌های دیپلماتیک برای افزایش آگاهی در مورد وضعیت زیمبابوه و اعمال فشار بر حاکمان برای جلوگیری از نقض حقوق بشر همکاری کرد (Conner, 2006).

در خاتمه، فعالیت‌های مدافع عفو بین‌الملل در زیمبابوه، چالش‌هایی را که بازیگران غیردولتی در ترویج و حمایت از حقوق بشر با آن مواجه هستند، نشان می‌دهد. مطالعه موردی تاکتیک‌های به کار گرفته شده توسط دولت-ملت‌ها را برای مقاومت در برابر چنین تلاش‌های حمایتی نشان می‌دهد و اهمیت شبکه‌ها و اتحادهای بین‌المللی را در پیشبرد اهداف حقوق بشر برجسته می‌کند.



۵. بحث

۵.۱. عواملی که به همکاری موفق بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت ها

کمک می کند: مطالعات موردی ارائه شده چندین عامل را برجسته می کند که به همکاری موفق بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت ها کمک می کند. این عوامل عبارتند از:

۵.۱.۱. اهداف و مقاصد مشترک: همکاری های موفق اغلب بر اساس تعهد مشترک برای

پرداختن به یک موضوع خاص یا دستیابی به یک هدف مشترک ایجاد می شوند. در مورد ابتکارات تغییر اقلیم، هم شبکه قرارداد جهانی و هم شبکه اقدام اقلیمی در هدف پرداختن به تغییرات اقلیمی و ارتقای پایداری مشترک هستند. این تعهد مشترک به آنها اجازه می دهد تا به طور موثر با هم کار کنند.

۵.۱.۲. تخصص و منابع مکمل: بازیگران غیردولتی تخصص و منابع منحصر به فردی را

برای همکاری با دولت-ملت ها به ارمغان می آورند. برای مثال، در مورد توسعه بین المللی، سازمان های غیردولتی به دانش مردمی و رویکردهای جامعه محور کمک می کنند، در حالی که دولت های ملی مانند آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده، بودجه و تخصص فنی را ارائه می کنند. این مکمل به یک رویکرد جامع تر برای پرداختن به چالش های پیچیده منجر می گردد.

۵.۱.۳. گفتگو و ارتباطات باز: همکاری های مؤثر مستلزم ارتباط باز و شفاف بین

بازیگران غیردولتی و دولت-ملت ها است. در مورد کنوانسیون تغییرات آب و هوایی سازمان ملل، تعامل منظم بین بازیگران غیردولتی و کنوانسیون از طریق کنفرانس ها، مذاکرات و مشارکت ها، امکان گفتگو و تبادل نظر را فراهم می کند. این ارتباط باز، درک مشترک را تقویت می کند و به ایجاد اعتماد بین دو نهاد کمک می کند.

۵.۱.۴. نقش ها و مسئولیت های روشن: همکاری های موفق اغلب شامل تعیین واضح

نقش ها و مسئولیت ها هم برای بازیگران غیردولتی و هم برای دولت-ملت ها است. این وضوح تضمین می کند که هر یک از طرفین مشارکت ها و تعهدات خود را درک می کنند و احتمال درگیری ها و سوء تفاهم ها را کاهش می دهد.

۵.۲. تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت - ملت‌ها و تأثیر آنها بر حاکمیت

جهانی: تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌تواند به دلیل تفاوت در اولویت‌ها، ارزش‌ها و منافع ایجاد شود. وقتی بازیگران غیردولتی از حمایت از محیط زیست یا حقوق بشر دفاع می‌کنند، ممکن است با تمرکز دولت-ملت‌ها بر توسعه اقتصادی و امنیت ملی برخورد کنند. این تضادها می‌توانند به روش‌های زیر پیامدهایی برای حکومت جهانی داشته باشند:

۵.۲.۱. قدرت چالش برانگیز: تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌تواند اقتدار و مشروعیت نهادهای حاکمیت جهانی را به چالش بکشد. وقتی بازیگران غیردولتی از سیاست‌ها یا اقداماتی که مضر یا ناعادلانه می‌دانند، انتقاد می‌کنند، فرآیندهای تصمیم‌گیری و اقتدار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را زیر سوال می‌برند. این می‌تواند منجر به گفت‌وگو و بحث‌های عمومی شود که نیاز به مکانیسم‌های حکمرانی جهانی فراگیرتر و پاسخگوتر را برجسته می‌کند.

۵.۲.۲. اختلال در نظام‌ها: تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌تواند نظام‌ها و فرآیندهای حکمرانی جهانی را مختل کند. اختلاف نظرها و تنش‌ها می‌تواند منجر به تاخیر، انسداد یا حتی شکست در فرآیندهای تصمیم‌گیری شود. به عنوان مثال، درگیری پیرامون خروج ایالات متحده از توافقنامه پاریس باعث ایجاد عدم اطمینان شد و تلاش‌های مشترک بین بازیگران غیردولتی و کنوانسیون را مختل کرد. این اختلالات می‌تواند مانع از اثربخشی مکانیسم‌های حکمرانی جهانی در مقابله با چالش‌های جهانی شود.

۵.۲.۳. به حاشیه راندن برخی صداها: تعارض بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌تواند باعث به حاشیه راندن صداها و دیدگاه‌های خاص در حکمرانی جهانی شود. بازیگران غیردولتی، به ویژه آنهایی که از جوامع به حاشیه رانده شده یا دارای منابع محدود هستند، ممکن است در تلاش باشند تا دغدغه‌ها و منافع خود را به طور مناسب در فرآیندهای تصمیم‌گیری نشان دهند و در نظر بگیرند. این عدم تعادل قدرت می‌تواند مشروعیت و اثربخشی نهادهای حکمرانی جهانی را تضعیف کند.



۵.۳. استراتژی‌ها و راه‌حل‌های تقویت همکاری و مدیریت تضادها در

حکمرانی جهانی: برای تقویت همکاری و مدیریت تعارضات بین بازیگران غیردولتی و

دولت‌های ملی در حکمرانی جهانی، راهبردها و راه‌حل‌های زیر را می‌توان در نظر گرفت:

۵.۳.۱. اصلاحات نهادی: اصلاحات نهادی با هدف افزایش شمولیت و نمایندگی بازیگران

غیردولتی در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به رفع عدم تعادل قدرت و افزایش همکاری کمک کند. این شامل ایجاد سازوکارهایی برای بازیگران غیردولتی برای مشارکت در نهادهای حاکمیتی جهانی و حصول اطمینان از این است که آنها نظرات و دیدگاه‌های خود را در بحث‌های سیاسی و مذاکره در نظر خواهند گرفت.

۵.۳.۲. همکاری‌های چندجانبه: تشویق و تسهیل همکاری‌های چندجانبه می‌تواند

گفت‌وگو، تفاهم و حل مشکلات مشترک بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها را تقویت کند. پلتفرم‌های چند ذی‌نفع، فضایی را برای شنیدن دیدگاه‌های مختلف فراهم می‌کنند و به ایجاد روابط و اعتماد بین بازیگران مختلف درگیر کمک می‌کنند. این همکاری‌ها می‌تواند به رویکردهای جامع‌تر و مؤثرتر برای مقابله با چالش‌های جهانی منجر شود.

۵.۳.۳. چارچوب‌های قانونی: توسعه و اجرای چارچوب‌های قانونی که حقوق و منافع

بازیگران غیردولتی را به رسمیت می‌شناسد و از آنها محافظت می‌کند، می‌تواند به مدیریت تضادها در حکومت جهانی کمک کند. مکانیسم‌های قانونی می‌توانند راه‌هایی را برای توسل و حل و فصل اختلافات در هنگام بروز درگیری‌ها فراهم کنند، و تضمین کنند که بازیگران غیردولتی صدایی دارند و در سیستم حکمرانی جهانی با آنها منصفانه رفتار می‌شود.

۵.۳.۴. میانجیگری و مذاکره: استفاده از میانجیگری و تکنیک‌های مذاکره می‌تواند به پر

کردن شکاف بین اولویت‌های بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها کمک کند. تسهیل‌کننده‌ها می‌توانند علائق مشترک را شناسایی کنند و راه‌حل‌های قابل قبولی را بیابند که نگرانی‌ها و ملاحظات مختلف را متعادل می‌کند. این رویکرد می‌تواند به ایجاد اجماع و جلوگیری از تشدید درگیری‌ها کمک کند، در حالی که حس مالکیت و تعهد به راه‌حل‌های مورد توافق را تقویت می‌کند.

به عبارت دیگر، همکاری مؤثر بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌تواند حکمرانی جهانی را تقویت کند، در حالی که درگیری‌ها می‌توانند اقتدار آن را به چالش بکشند و نظام‌ها را مختل کنند. برای تقویت همکاری و مدیریت تضادها در حکمرانی جهانی، اصلاحات نهادی، همکاری‌های چندجانبه و چارچوب‌های قانونی مورد نیاز است. این تلاش‌ها می‌توانند به رفع عدم تعادل قدرت، ترویج فراگیری و تقویت تقسیم قدرت عادلانه بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها کمک کنند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، همکاری مؤثر بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌تواند حکمرانی جهانی را تقویت کند، در حالی که درگیری‌ها و تنش‌ها بین این بازیگران می‌تواند اقتدار آن را به چالش بکشد و نظام‌ها را مختل کند. مطالعات موردی ابتکارات تغییرات آب و هوایی که شامل کنوانسیون تغییرات آب و هوایی سازمان ملل و حمایت از حقوق بشر توسط عفو بین‌الملل می‌شود، بینش‌هایی را در مورد عواملی که به همکاری موفقیت‌آمیز کمک می‌کنند و درگیری‌هایی که می‌توانند در این مشارکت‌ها ایجاد شود، ارائه می‌دهد.

همکاری بین بازیگران غیردولتی و کنوانسیون در رسیدگی به تغییرات اقلیمی در پیشبرد اقدامات اقلیمی بسیار مهم بوده است. شبکه قرارداد جهانی و شبکه اقدام اقلیمی به عنوان نمونه‌هایی از همکاری مؤثر عمل می‌کنند، جایی که شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی با کنوانسیون برای تعیین اهداف، تبادل بهترین شیوه‌ها و تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری همکاری می‌کنند. با این حال، تضادها و عدم قطعیت‌ها ممکن است زمانی به وجود بیایند که تغییر سیاست یا انتقال رهبری در کنوانسیون وجود داشته باشد. برای کاهش این تضادها، برای کنوانسیون حفظ رهبری ثابت و ارائه راهنمایی روشن به بازیگران غیردولتی مهم است.

به طور مشابه، در مورد حمایت از حقوق بشر، بازیگران غیردولتی مانند عفو بین‌الملل در کار خود با چالش‌هایی مواجه هستند. مطالعه موردی کمپین عفو بین‌الملل علیه اخراج اجباری در زیمبابوه نشان می‌دهد که چگونه دولت محدودیت‌های قانونی، نظارت، آزار و اذیت و تبلیغات را



برای تضعیف تلاش‌های سازمان اعمال می‌کند. در چنین مواردی، بازیگران غیردولتی باید از راهبردهایی مانند دادخواهی استراتژیک و بسیج فشار بین‌المللی برای غلبه بر این موانع و ارتقای حقوق بشر استفاده کنند.

برای تقویت همکاری و مدیریت تضادها در حکمرانی جهانی، آنها می‌توانند استراتژی‌ها و راه حل‌های مختلفی را توسعه دهند. اصلاحات نهادی که به عدم تعادل قدرت بین بازیگران غیردولتی و دولت-ملت‌ها می‌پردازد، می‌تواند به تسهیل تقسیم قدرت عادلانه و فرآیندهای تصمیم‌گیری فراگیر کمک کند. همکاری‌های چندجانبه، که در آن همه ذینفعان مرتبط در تصمیم‌گیری مشارکت دارند، می‌تواند بستری را برای بازیگران غیردولتی فراهم کند تا نگرانی‌های خود را بیان کنند و در بحث‌های سیاستگذاری مشارکت کنند. علاوه بر این، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند چارچوب‌های قانونی را برای حمایت از حقوق و استقلال بازیگران غیردولتی ایجاد کنند و از مشارکت معنادار آنها در فرآیندهای حکمرانی جهانی اطمینان حاصل کنند.

منابع

- Aggarwal, V. K., & Koo, M. G. (2014). Trade Institutions in Asia.
- Andonova, L. B., & Mitchell, R. B. (2010). The Rescaling of Global Environmental Politics. *Annual Review of Environment and Resources*, 35(1), 255-282. doi:10.1146/annurev-environ-100809-120346
- Andrews, K. T., & Gaby, S. (2015). Local Protest and Federal Policy: The Impact of the Civil Rights Movement on the 1964 Civil Rights Act. *Sociological Forum*, 30(S1), 509-527. doi:<https://doi.org/10.1111/socf.12175>
- Asia, D. (2021). Case Study: United States Agency for International Development (USAID) investment in innovation for sustainable agricultural intensification.
- Bäckstrand, K., & Kuyper, J. W. (2017). The democratic legitimacy of orchestration: the UNFCCC, non-state actors, and transnational climate governance. *Environmental Politics*, 26(4), 764-788.
- Bäckstrand, K., & Lövbrand, E. (2006). Planting trees to mitigate climate change: Contested discourses of ecological modernization, green governmentality and civic environmentalism. *Global environmental politics*, 6(1), 50-75.

- Bercovitch, J., & Jackson, R. (2009). *Conflict resolution in the twenty-first century: principles, methods, and approaches*: University of Michigan Press.
- Biermann, F., van Asselt, H., Boas, I., Massey, E., Pattberg, P., Edenhofer, O., . . . Stripple, J. (2008). Climate governance post-2012, options for EU policy-making. *CEPS Policy Briefs Paper*(177).
- Börzel, T. A. (2020). Multilevel governance or multilevel government? *The British Journal of Politics and International Relations*, 22(4), 776-783.
- Börzel, T. A., & Risse, T. (2010). Governance without a state: Can it work? *Regulation & Governance*, 4(2), 113-134.
- Börzel, T. A., & Risse, T. (2019). Grand theories of integration and the challenges of comparative regionalism. *Journal of European Public Policy*, 26(8), 1231-1252.
- Brock, W., & Xepapadeas, A. (2017). Climate change policy under polar amplification. *European Economic Review*, 99, 93-112.
- Bures, O., & Farrand Carrapico, H. (2017). Private security beyond private military.
- CAN. (2023). Our History. Retrieved from <https://www.climatenetwork.org/about-us/our-history>
- Carothers, C. (2018). The surprising instability of competitive authoritarianism. *J. Democracy*, 29, 129.
- Carothers, T. (2006). The backlash against democracy promotion. *Foreign Affairs*, 55-68.
- Conner, T. R. (2006). Amnesty International report 2005: the state of the world's human rights. *Counterpoise*, 10(1/2), 49.
- Corell, E., & Betsill, M. M. (2008). Analytical framework: Assessing the influence of NGO diplomats. *NGO diplomacy: The influence of nongovernmental organizations in international environmental negotiations*, 19-42.
- Dijkzeul, D., & Beigbeder, Y. (2003). *Rethinking international organizations: pathology and promise*: Berghahn Books.
- Dzimiri, P& ., Runhare, T. (2012). The human security implications of Operation Restore Order on urban habitation in Zimbabwe. *Journal of human ecology*, 38(3), 191-205.
- Elbakidze, M., Dawson, L., McDermott, C. L., Teitelbaum, S., & Tysiachniouk, M. (2022). Biodiversity conservation through forest certification: key factors shaping national Forest Stewardship Council (FSC) standard-development processes in Canada, Sweden, and Russia. *Ecology and Society*, 27(1).

- Fagundes, C., Schreiber, D., Nunes, M., Fernandes, M& ., Damacena, C. (2023). Development and validation of a scale to measure the benefits of Forest Stewardship Council (FSC) certification. *International Forestry Review*, 25(2), 163-176.
- Felter, K. (2023). *The US and The UN Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)*.
- Finnemore, M., & Sikkink, K. (2001). TAKING STOCK: The Constructivist Research Program in International Relations and Comparative Politics. *Annual Review of Political Science*, 4(1), 391-416. doi:10.1146/annurev.polisci.4.1.391
- Hafner-Burton, E. M. (2013). Princeton: Princeton University Press.
- Hager, S. E. (2006). Zimbabwe: Why the United Nations, State, and Non-State Actors Failed to Effectively Regulate Mugabe's Policy of Internal Displacement. *Cal. W. Int'l LJ*, 37, 221.
- Hale, T. (2020). Transnational actors and transnational governance in global environmental politics. *Annual Review of Political Science*, 23, 203-220.
- Harris, F., Roby, H., & Dibb, S. (2016). Sustainable clothing: challenges, barriers and interventions for encouraging more sustainable consumer behaviour. *International Journal of Consumer Studies*, 40(3), 309-318. doi:<https://doi.org/10.1111/ijcs.12257>
- Harwatt, H., Ripple, W. J., Chaudhary, A., Betts, M. G., & Hayek, M. N. (2020). Scientists call for renewed Paris pledges to transform agriculture. *The Lancet Planetary Health*, 4(1), e9-e10.
- Held, D., Fane-Hervey, A., & Theros, M. (2011). *The governance of climate change: Polity*.
- Hermwille, L. (2018). Making initiatives resonate: how can non-state initiatives advance national contributions under the UNFCCC? *International environmental agreements: Politics, law and economics*, 18(3), 447-466.
- Kaul, I., Grunberg, I., & Stern, M. A. (1999). Defining global public goods. *Global public goods: international cooperation in the 21st century*, 2-19.
- Keck, M. E., & Sikkink, K. (1998). *Activists beyond borders: Advocacy networks in international politics*: Cornell University Press.
- Keohane, R., & Nye Jr, J. S. (2001). Between centralization and fragmentation: The club model of multilateral cooperation and problems of democratic legitimacy. *Available at SSRN 262175*.
- Kreibich, N., & Obergassel, W. (2019). *The voluntary carbon market: what may be its future role and potential contributions to ambition raising?; Discussion paper*. Retrieved from



- Kuyper, J., Bäckstrand, K., & Schroeder, H. (2017). Institutional accountability of nonstate actors in the UNFCCC: Exit, voice, and loyalty. *Review of Policy Research*, 34(1), 88-109.
- Kuyper, J., Schroeder, H., & Linnér, B.-O. (2018). The Evolution of the UNFCCC. *Annual Review of Environment and Resources*, 43, 343-368.
- Larson, R. B., Holley, C., & Bowman, D. M. (2018). The Energy/Water/Food/Nexus-An Introduction. *Jurimetrics*, 59, 1.
- Nedziwe, C. L., & Tella, O. (2023). Non-state Actors as Transnational Agents. In *Transnational Activities of Women-Focused Civil Society Actors in Southern Africa* (pp. 49-69). Cham: Springer Nature Switzerland.
- Newell, P., Paterson, M., & Craig, M. (2021). The politics of green transformations: An introduction to the special section. *New political economy*, 26(6), 903-906.
- O'Brien, K., & Barnett, J. (2013). Global Environmental Change and Human Security. *Annual Review of Environment and Resources*, 38(1), 373-391. doi:10.1146/annurev-environ-032112-100655
- Obergassel, W., Arens, C., Hermwille, L., Kreibich, N., Ott, H. E., & Wang-Helmreich, H. (2019). Paris agreement: Ship moves out of the drydock. *CCLR*, 3.
- Paterson, M. (2020). Climate change and international political economy: Between collapse and transformation. *Review of International Political Economy*, 28(2), 394-405.
- Pattberg, P., & Stripple, J. (2008). Beyond the public and private divide: remapping transnational climate governance in the 21st century. *International environmental agreements: Politics, law and economics*, 8, 367-388.
- Scarneccia, T. (2006). The 'fascist cycle' in Zimbabwe, 2000-2005. *Journal of Southern African Studies*, 32(2), 221-237.
- Sidel, M. (2010). Counter-terrorism and the Regulation of Civil Society in the USA. *Development and Change*, 41, ۳۱۲-۲۹۳, (۲)
- Tarnoff, C. (2015). *US Agency for International Development (USAID): Background, operations, and issues*: Congressional Research Service Washington, DC.
- Treber, M. (2015). Climate Action Network-2013-2015 Review of the UNFCCC.
- UNFCCC. (2019). (Corporate Climate Action: State of Play 2019. Retrieved from <https://unfccc.int/documents/238076>
- UNFCCC. (2021). Organizational Overview. Retrieved from <https://unfccc.int/about-us/who-we-are/organizational-overview>

- van Asselt, H. (2014). Alongside the UNFCCC: Complementary venues for climate action. *Center for Climate and Energy Solutions Briefing*.
- Weiss, T. G., Seyle, D. C., & Coolidge, K. (2013). The rise of non-state actors in global governance: Opportunities and limitations.
- Young, O. R. (1986). (International Regimes: Toward a New Theory of Institutions. *World Politics*, 39(1), 104-122. doi:10.2307/2010300



The dynamics of cooperation and conflict between non-state actors and nation-states

Mohammad Zandi Ziarani

*A candidate for PhD degree, Department of International Relations,
Shahrud Branch, Islamic Azad University*

Amirhooshang Mirkooshesh¹

*Assistant professor & Supervisor, Department of International Relations,
Shahrud Branch, Islamic Azad University*

Ehsan Razani

*Assistant professor & Consultant, Department of International Relations,
Shahrud Branch, Islamic Azad University*

Abstract

The aim of this research is to investigate the factors affecting cooperation between non-state actors and nation-states, and the factors affecting conflicts between them in these relations and their impact on global governance. One of the goals of this research is to develop strategies and solutions to strengthen cooperation and manage conflicts in global governance. The proposed hypothesis is that effective cooperation between non-state actors and nation-states leads to the strengthening of global governance, while conflicts and disputes between them lead to the weakening of global governance, challenging its power and disrupting systems. The next hypothesis is that institutional reforms, multilateral cooperation and legal frameworks can help resolve conflicts and strengthen the equitable distribution of power between non-state actors and nation-states. Examining challenges and opportunities in cooperation and conflict between non-governmental actors and nation-states and proposing strategies to strengthen cooperation and manage conflicts in global governance are among the goals of this research. In addition, this research aims to contribute to the body of knowledge in this field by developing frameworks that promote just global governance.

Keywords: Non-state actors, transnational corporations, non-governmental organizations, global governance, cooperation and conflicts

1. Corresponding Author (Am.Mirkooshesh@iau.ac.ir)